

احکام و تعالیم فردی - نهی از معاشرت با اشرار و منافقین و ناقضین

حضرت بهاء الله



نهی از معاشرت با اشرار و منافقین و ناقضین

حضرت بهاء الله:

1 - " أَنْ يَا نَصِيرُ تَجَنَّبْ عَنْ مِثْلِ هَؤُلَاءِ ثُمَّ فَرَّ عَنْهُمْ إِلَى ظِلِّ عَصْمَةَ رَبِّكَ وَكُنْ فِي حَفْظِ عَظِيمٍ ثُمَّ اعْلَمْ بِأَنَّ نَفْسَ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ هَؤُلَاءِ إِنَّهُ يُؤَثِّرُ كَمَا يُؤَثِّرُ نَفْسُ الثُّعْبَانِ إِنْ أَنْتَ مِنَ الْعَارِفِينَ كَذَلِكَ أَلْهَمْنَاكَ وَعَلَّمْنَاكَ بِمَا هُوَ الْمَسْتُورُ عَنْكَ لِتَطَّلِعَ بِمَرَادِ اللَّهِ وَتَكُونَ عَلَى بَصِيرَةٍ مُنِيرَةٍ. طَهَّرْ يَدَكَ عَنِ التَّشَبُّثِ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ وَالْإِشَارَةِ إِلَى دُونِهِ كَذَلِكَ يَا مُرُكَّ قَلَمِ الْقَدَمِ إِنْ أَنْتَ مِنَ السَّامِعِينَ "

(لوح نصیر ص ۱۹۹ مجموعه الواح حضرت بهاء الله)

2 - " قُلْ أَنْ يَا أَحِبَّائِي ثُمَّ أَصْفِيَائِي اسْمِعُوا نِدَاءَ هَذَا الْحَبِيبِ الْمَسْجُونِ فِي هَذَا السِّجْنِ الْأَكْبَرِ إِنْ وَجَدْتُمْ مِنْ أَحَدٍ أَقَلَّ مِنْ أَنْ يُحْصِيَ رَوَاحِجَ الْأِعْرَاضِ فَأَعْرِضُوا عَنْهُ ثُمَّ اجْتَنِبُوهُ ... لِأَنَّهُمْ مَظَاهِرُ الشَّيْطَانِ " (ص ۴۵۱ گنجینه حدود و احکام)

و در همین لوح مبارک ، حضرت عبدالبهاء از جمال قدم میفرمایند :

3 - " بر جمیع احبباء الله لازم که از هر نفسی که رائحه بغضا از جمال عزراهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگر چه بکل آیات ناطق شود و بکل کتب تمسک جوید (الی ان قال عز اسمهُ) پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبدا بدام تزویر و حیل و گرفتار آیند (و در خطاب دیگر میفرماید) پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مَرْضَاتِ الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سم سرایت کننده است ...) و در خطاب دیگر میفرماید (بسیار در حفظ نفس خود سعی نمائید چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند



TABLET

و به هر نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود واگذارند (و در خطاب دیگر میفرماید) هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگر چه به زهد اولین و آخرین ظاهر شود و یا عبادت ثقلین قیام نماید ...". (ص ۱-۴۵۰ گنجینه حدود و احکام)

4 - " جمیع شما اشجار رضوان قدس منید که بدست مرحمت خود در ارض مبارکه غرس فرمودم و به نیشان رحمت بی زوال خود تربیت نمودم و از حوادث کونیّه و خطرات ملکیه ، بملائکه حفظیه حفظ فرمودم ... پس ای اشجار رضوان قدس عنایت من خود را از سموم انفس خبیثه و اریاح عقیمه که معاشرت بمشرکین و غافلین است حفظ نمائید تا اشجار وجود ، از جود معبود ، از نفحات قدسیّه و روحات انسیه محروم نگردد و لزال در رضوان قدس احدیه جدید و خرم ماند."

(لوح مبارک بدائع نصاب الهی یا لوح احمد فارسی - ص ۹-۱۱۸ دریای دانش)

5 - " معاشرت با جمیع احزاب را اذن دادیم مگر نفوسی که رائحه بغضاء در امرالله مولى الوری از ایشان بیابند. از امثال آن نفوس احتراز لازم امرأ من لدی اللّٰه ربّ العرش العظیم". (ص ۸۶ ج ۳ امر و خلق)

6 - " اگر نفوس غافله از کلمات نصحیه متنبّه شدند فنعلم المراد والا احتراز از چنین نفوس لازم و واجب . در این ظهور ابداً اعمال شنیعه و شؤونات نفسیه مقبول نبوده و نخواهد بود". (ص ۸۹ ج ۳ امر و خلق)

7 - " زینهار ای پسر خاک با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نورجان را بنار حُسان تبدیل نماید".

(ق ۵۷ کلمات مکنونه فارسی)

8 - " بسا از نفوس که خود را بحق نسبت داده و سبب تَضییع امرالله شده اند. اجتناب از چنین نفوس لازم".

(ص ۴۴۸ گنجینه حدود و احکام)

9 - " از دشمن دوست نما بگریزید و بدوست یگا دل بندید". (ص ۸۲ دریای دانش)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " از اساس اعظم امرالله اجتناب و ابتعاد از ناقضین است ". (از الواح مبارکه وصایا ص ۷۷ رساله ایام تسعه)

2 - " هر نفسی مشاهده کنید که ذره‌ای حرکت نالایقی دارد و یا رائحه غیر تقدیس از او استشمام میشود البته فوراً احتراز نمائید و تجنب کنید زیرا ضرر امرالله در تقرب به آنست چه که نفسی پیدا شده اند که اسیر نفس و هوی هستند و نام حق بر زبان میرانند. این نفوس در امرالله از سم قاتل بدتر و بسیار احتیاط لازم است ". (ص ۵-۸۴ ج ۳ امر و خلق)

3 - " جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبای ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد باب منع فرمود که نفسی نزدیکی بآنان نکند زیرا نفسشان مانند سم ثعبان میماند فوراً هلاک میکند ". (ص ۴۴۹ گنجینه حدود و احکام)

4 - " سؤال نموده بودید به نص کتاب اقدس عاشروا مع الأدیان بالروح والریحان است . مقصد از این بیان آنست که اهل بها با هیچ طایفه غرض و مرضی نداشته باشند. با کلّ به محبت حرکت نمایند و تجنّس ننمایند و اجتناب نکنند... مراد معاشرت با نفوس است که از آنها مضرت حاصل نشود . مثلاً بسیار ملاحظه شد که نفسی در نهایت محبت و انجذاب و روح و ریحان بوده با طبعیون و اهل فسق الفت و معاشرت نمودند بکلی عاقل و باطل گشتند حتی در ارض مقدّس یک دو جوان را پروتستانها بعنوان تعلیم لسان بخانه خویش بردند و بعضی اسباب نامشروع مثل معاشرت نسوان فراهم آوردند . نزدیک بود که بکلی آنان را بواسطه این وسایل منحرف نمایند. این عبد منع نمود بلکه از عکّا بجای دیگر فرستاد ". (ص ۹-۴۴۸ گنجینه حدود و احکام)

5 - " ای بنده حقّ راستی و دوستی و صلح و آشتی با جمیع عالمیان از متقاضی حقّ پرستی است در این دور ابری الحمدلله ضدّیت و قساوت و عداوت و مخالفت و عصبیّت جاهلیّت و معاندتِ دینیّه و معارضات مذهبیه و جور و جفا بکلی مرتفع گشته. باید با جمیع عالمیان بنهایت روح و ریحان معامله نمود مگر منافقان . از منافق احتراز و اجتناب لازم زیرا سبب نمودت و جودت و کسالت و غفلت و برودت گردند . نفسشان مثل سرمای زهریر است . هر چند انسان در نهایت صحت و تندرستی باشد از برد شدید، کسالت و ارتعاش و زکام حاصل گردد. این است که نفوس طیّبه از رواج کریمه مشمئز گردند. لهذا د رأیات الهیه الفت با کافّه ملل و همچنین احتراز از اهل نفاق و خلل ، نازل گشته وَعَلَيْكَ التَّحِيَّةُ وَالشَّاءُ ع ع "

(ص ۱-۹۰ ج ۳ امر و خلق)

6 - " سؤال از چگونگی معاشرت با اشخاص بد عمل کردند. فرمودند: آن نیز دو قسم است . قسمی ضرر بخود صاحب عمل راجع است و متعدّی نیست . البته باید بحکمت شخص بد عمل را آگاه و تربیت نمود. مریض

است باید او را شفا داد. اما قسمی است که ضررش بدیگران میرسد و معاشرت با چنان شخص سبب سوء اخلاق میشود. در اینصورت حشر با آن نفوس جائز نه مگر برای کسانی که بر منع و تربیت قادر و غالب باشند و حتی الامکان سبب تعدیل اخلاق و تحسین اطوار گردند و الا حفظ هیئت اجتماعیّه از مضرات اعمال آنگونه اشخاص راجع بمرکز عدل و داد است. اینست که در الواح جمال مبارک هم حکم معاشرت با ادیان و وحدت عالم انسان است و هم منع الفت با اشرار و لزوم احتراز از اهل نفی و انکار.

(ص ۶-۶۵ ج ۱ بدائع الآثار)

7 - " ای بنده الهی اطفال را باید از مجالست اقرانِ سوء اهلِ نفس و هوی محافظت نمود زیرا سوء اخلاق سرایت نماید و این مانع از عاشروا مع الادیان نیست ". (ص ۴۴۹ گنجینه حدود و احکام)

حضرت ولی امر الله:

1 - " معاشرت و تکلم با مطرودین بهیچ وجه من الوجوه جائز نه " (ص ۲۸۴ ج ۳ توقیعات مبارکه که ۴۸-
(۱۹۲۲)